

مسائل وکالت

«وکالت» آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند و لازم نیست خودش انجام دهد به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد، به طور مثال کسی را وکیل کند تا منزل او را بفروشد یا زنی را برای او عقد کند و یا در دادگاه از طرف او طرح دعوی یا دفاع نماید.

(مسئله ۱) سفیه یا ورشکسته‌ای که توسط حاکم شرع از تصرف در اموال خود منع شده، چون حق تصرف در اموال خود را ندارد، نمی‌تواند برای تصرف در اموال خود وکیل بگیرد.

(مسئله ۲) وکالت تنها در مواردی صحیح است که شرعاً مباشرت شخص در آن شرط نباشد، پس در مواردی همچون قسم خوردن و شهادت دادن نزد حاکم شرع و عبادات بدنی مثل نماز و روزه، که مباشرت شرط می‌باشد وکیل گرفتن صحیح نیست، اما در عبادات مالی مثل پرداخت زکات و خمس وکالت مانعی ندارد.

(مسئله ۳) در وکالت، خواندن صیغه عربی شرط نیست، بلکه اگر انسان به دیگری بفهماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند که قبول نموده، مثلاً مال خود را به کسی بدهد که برای او بفروشد و او هم آن مال را بگیرد، وکالت صحیح است.

(مسئله ۴) اگر اصل وکالت وکیل را به شرطی معلق نمایند صحیح نیست، ولی اگر وکالت معلق نباشد و مورد وکالت را مشروط به شرطی نمایند اشکال ندارد.

(مسئله ۵) موگُل؛ یعنی کسی که دیگری را وکیل می‌کند و نیز کسی که وکیل می‌شود باید بالغ و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار اقدام کنند، ولی بچه‌ای که خوب و بد را تشخیص می‌دهد اگر فقط در خواندن صیغه وکیل شود و آن را با توجه به معنا و شرایطش بخواند صیغه‌ای که خوانده صحیح است.

(مسئله ۶) وکیل شدن شخص سفیه و ورشکسته مانعی ندارد.

(مسئله ۷) کاری را که انسان نمی‌تواند انجام دهد یا شرعاً نباید انجام دهد، نمی‌تواند

برای انجام آن از طرف دیگری وکیل شود، مثلاً کسی که در احرام حج است چون نباید صیغه عقد زناشویی را بخواند، نمی‌تواند برای خواندن صیغه از طرف دیگری وکیل شود.

(مسئله ۸) اگر انسان کسی را برای انجام تمام کارهای خودش وکیل کند صحیح است، ولی اگر برای یکی از کارهای خود وکیل نماید و کار خاصی را در نظر گرفته باشد باید آن را معین کند وگرنه وکالت صحیح نیست.

(مسئله ۹) وکالت برای دفاع از متهم در دادگاه اشکال ندارد، ولی چنانچه وکیل یقین به مُحق نبودن شخص متهم از نظر شرعی داشته باشد وکالت برای دفاع از او جایز

نیست، مگر اینکه به نحوی به حقوق او تجاوز شده باشد که در این صورت دفاع از حقوق مشروع او اشکال ندارد، بلکه در بعضی موارد واجب می‌باشد.

(مسئله ۱۰) وکالت در آباد کردن زمین‌های موات، صید کردن ماهیها و به طور

کلی
در به دست آوردن چیزهای مباح صحیح است و آنچه را که وکیل به قصد موکل خود آباد یا صید می‌کند و یا به دست می‌آورد ملک موکل می‌باشد.

(مسئله ۱۱) کافر می‌تواند از طرف مسلمان وکیل شود، چنانکه مسلمان نیز می‌تواند وکیل کافر شود.

(مسئله ۱۲) وکالت عقد جایز است و هر یک از دو طرف می‌تواند آن را به هم بزند، مگر اینکه در ضمن عقد لازمی به هم نزدن آن شرط شده باشد، مثلاً در ضمن عقد ازدواج شرط کنند که زن تا پنجاه سال از طرف شوهر وکیل باشد که هر گاه شوهر دو ماهه او خرجی ندهد یا مسافرت طولانی نماید خود را طلاق دهد و شرط کنند که شوهر او را عزل نکند، که در این صورت این وکالت تا پنجاه سال پابرجاست و شوهر نمی‌تواند آن را به هم بزند.

(مسئله ۱۳) در مواردی که می‌توان وکالت را به هم زد اگر موکل وکیل خود را برکنار نماید، بعد از آنکه خبر به او رسید نمی‌تواند آن کار را انجام دهد، ولی اگر پیش از رسیدن خبر، آن کار را انجام داده باشد صحیح است.

(مسئله ۱۴) وکیل می‌تواند از وکالت کناره‌گیری کند و اگر موکل غایب هم باشد

اشکال ندارد. لکن لازم است به نحوی به موکل خبر دهد.

(مسئله ۱۵) وکیل نمی‌تواند کاری را که برای آن وکیل شده به دیگری بسپارد،

مگر
اینکه موکل به او اجازه وکیل گرفتن را داده باشد، که در این صورت به هر گونه که به او اجازه داده می‌تواند رفتار نماید، همچنین است اگر از ظاهر امر مشخص باشد که اجازه وکیل گرفتن را داده است، مثلاً کار به گونه‌ای باشد که معلوم است خود وکیل به تنهایی نمی‌تواند انجام دهد. و چنانچه موکل گفته باشد که برای من وکیل بگیر، باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی‌تواند کسی را از طرف خودش وکیل نماید.

(مسئله ۱۶) اگر وکیل با اجازه موکل، فرد دیگری را از طرف او وکیل کند،

وکیل
نمی‌تواند او را برکنار نماید و اگر وکیل اول بمیرد یا برکنار شود وکالت وکیل دوم باطل نمی‌شود، ولی اگر وکیل با اجازه موکل، فرد دیگری را از طرف خودش وکیل کند، هم موکل و هم وکیل اول می‌توانند وکیل دوم را برکنار نمایند و اگر وکیل اول بمیرد یا برکنار

شود وکالت وکیل دوم باطل می‌شود.

(مسئله ۱۷) اگر شخصی چند نفر را برای انجام کاری وکیل کند یکی از سه

صورت را دارد:

الف- اگر به آنها اجازه دهد که هر کدام به تنهایی در آن کار اقدام کند، هر کدام از آنان می‌تواند آن کار را انجام دهد و چنانچه یکی از آنان بمیرد یا برکنار شود وکالت دیگران باطل نمی‌شود.

ب - اگر به آنان گفته باشد که با هم انجام دهند، نمی‌توانند به تنهایی اقدام نمایند و چنانچه یکی از آنان بمیرد یا برکنار شود وکالت دیگران هم باطل می‌شود.

ج - اگر نگفته باشد که با هم یا به تنهایی انجام دهند و از ظاهر حرف او هم مشخص نباشد، در این صورت نیز نمی‌توانند به تنهایی اقدام کنند.

(مسئله ۱۸) هر گاه وکیل یا موکل بمیرد یا دیوانه همیشگی شود وکالت باطل

می‌شود و اگر گاهی دیوانه یا بیهوش شود بنا بر احتیاط نباید به معامله‌ای که وکیل انجام می‌دهد ترتیب اثر دهند.

(مسئله ۱۹) اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده یا موضوع و مورد

وکالت _____

از بین برود وکالت باطل می‌شود.

(مسئله ۲۰) اگر موکل برای کاری که وکیل انجام می‌دهد چیزی قرار دهد، پس

از

انجام آن کار مدیون است و باید به قرار خود عمل نماید.

(مسئله ۲۱) اگر وکیل در نگهداری اموالی که در اختیار اوست کوتاهی کند یا

در

غیر آن مقداری که به او اجازه داده‌اند تصرف کند و اموال تلف شود ضامن است و باید جبران نماید، ولی اگر کوتاهی نکند و در غیر از مقداری که اجازه دارد تصرف نکند و به طور اتفاق آن مال از بین برود ضامن نیست.

(مسئله ۲۲) اگر دو نفر در اصل وکالت اختلاف پیدا کنند، ادعای کسی که

منک _____ آن

است با قسم، مقدم می‌باشد و اگر در ضایع شدن مال مورد وکالت یا در کوتاهی وکیل در حفظ آن اختلاف نمایند، ادعای وکیل با قسم، مقدم است.